

# سواد جسمانی (بدنی) و نقش تربیتی آن

ترجمه: دکتر محسن حلاجی / عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان  
بهروز سیاه‌منصوری / کارشناس ارشد تربیت‌بدنی

## اشاره

از آغاز سال ۲۰۰۰، انتشار مقالاتی با عنوان «سواد جسمانی» به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش یافته است. هدف از این مقاله آن است که از طریق یک بررسی اجمالی در تاریخچه پژوهشی با رویکردی استنتاجی، موضوعات متعدد و چشمگیر در مقالات چاپی بررسی شوند و موضوعات مشابه با محوریت سواد جسمانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. بانک اطلاعاتی EBSCO با شناساگرهای «سواد جسمانی» و «سواد و ملاک جسمانی» مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین یک نقد در این خصوص وجود دارد که آیا سواد جسمانی را یک مفهوم عادی آرمان‌گرایانه بدانند یا مترادف مهارت‌های حرکتی پایه یا شناسایی استعداد ورزشی؟ نقش آموزش عالی در گام بعدی در پیشرفت چارچوب علمی نمایان می‌شود، زیرا به این می‌پردازد که چگونه سواد جسمانی در جامعه شکل می‌گیرد، پرورش می‌یابد و در عمل بروز پیدا می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** سواد جسمانی، تربیت‌بدنی، استعداد ورزشی، حرکات پایه، مهارت‌های حرکتی



## مقدمه

شایستگی جسمانی و دانش و فهم نسبت به حفظ فعالیت جسمانی در سراسر دوره زندگی». در طول زمان، علاقه فزاینده‌ای به شرح دقیق مصادیق این مفهوم و چگونگی استفاده از آن در فضاهای آموزشی وجود داشته است. همچنین این مفهوم مورد چالش بحث‌های علمی دیگر قرار گرفته است؛ بحث‌هایی در مورد توانایی و آموزش‌پذیری که به نظر می‌آید مشابه مفهوم سواد جسمانی است، به‌ویژه در استرالیا و اروپا.

این بحث‌ها مقدمه‌ای شد برای حساسیت و اهمیت آموزش‌وپرورش و نیز تمرکز روی ایجاد توانایی اجتماعی. به بیان دیگر، هنگامی که سواد جسمانی در تمرینات و از طریق تربیت‌بدنی معنا پیدا می‌کند، محققان تلاش کرده‌اند حدودی را تعیین کنند که در آن توانایی جسمانی مشخص شود، به‌صورت مفهومی درآید، در پیکره جامع شکل گیرد، پرورش یابد و تجلی پیدا کند.

یک دلیل کلی برای اینکه چرا هم به سواد جسمانی و هم توانایی به‌عنوان مفاهیم و ساختارهای اجتماعی توجه می‌شود این است که تغییرات ساختاری در جامعه بر عادات فعالیت جسمانی کودکان و نوجوانان و نیز نگرانی در مورد افزایش بی‌حرکی در سبک زندگی اثر می‌گذارد. در اینجا فعالیت جسمانی و توان حرکتی به‌عنوان فاکتورهای مهمی شناخته شده‌اند که به بهبود سبک زندگی فعال جسمانی کمک می‌کنند. با ارائه این پیشینه، ابتدا به چارچوب علمی سواد جسمانی به لحاظ موضوعات متعدد و مهم توجه خواهد شد که توجهشان به مقالات بازبینی شده منتشر شده است و سپس به این بحث پرداخته خواهد شد که چگونه این موضوعات می‌توانند با تمرینات تربیت‌بدنی ارتباط داشته باشند.

## سواد جسمانی و نقش تربیتی آن

موضوع «فرضیات سواد جسمانی و نقش تربیتی آن» یک موضوع کاملاً غالب است. پیشینه آثار به‌عنوان پاسخی به این موارد، سواد جسمانی را مورد تأیید و حمایت قرار می‌دهد؛ مواردی چون: نبود نظرات فلسفی تجربه‌شده در تربیت‌بدنی، منطقی که می‌تواند پشتیبان و مؤید مبحث تربیت‌بدنی باشد و بنیانی برای رشد کودک و نوجوان در سراسر زندگی. مقالات در برگیرنده این موضوعات، نقش تربیتی سواد جسمانی و چگونگی توسعه تربیت‌بدنی توسط سواد جسمانی را پررنگ‌تر می‌سازند. مارشدرن و وستون<sup>۱</sup> خاطر نشان کردند که هرگز مبنای فلسفی که به‌طور طولانی مدت در بستر تاریخی مورد تأکید قرار گرفته باشد به‌عنوان یک فلسفه مشترک در این حوزه وجود نداشته است. این مشاهدات در بسیاری

واژه «سواد» در سراسر جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد و اغلب بدین منظور استفاده می‌شود که از یک طرف بین درک فنی خواندن و نوشتن تمایزی ایجاد کنند و از طرفی دیگر، درکی وسیع‌تر از ارتباط حاصل شود. از منظر فرهنگی-اجتماعی، این تمایز تحلیل‌گرانه «چشم‌انداز ما را از کلاس و روش‌ها به سمت طیفی از فعالیت‌های ارتباطی می‌کشاند که انسان‌ها در دوران زندگی خود بدان می‌پردازند. در حوزه تربیت‌بدنی (PE)، واژه سواد جسمانی بخشی از صحبت‌های میان مربیان تربیت‌بدنی و همچنین تا حدودی نیز صحبت‌های میان متخصصان دیگر که در حوزه رشد (توسعه) ورزشی کار می‌کنند، شده است. چگونه سواد جسمانی چنین اهمیتی در زمینه آموزش و فرهنگ ورزش در این برهه از زمان به‌دست آورده است. هدف از این مقاله آن است که از طریق یک بررسی اجمالی، تاریخچه پژوهشی و موضوعات متعدد و مهم سواد جسمانی را مورد کاوش و بررسی قرار دهد. در این فرایند از یک رویکرد استنتاجی استفاده شده است که توجهی خاص به روشی دارد که مفهوم سواد جسمانی به‌واسطه آن درک می‌شود و در آثار علمی منتشر شده به کار رفته است. به‌علاوه در سراسر این تحلیل، کاوش و بحث در مورد معانی و مفاهیم مهم در حوزه تربیت‌بدنی صورت خواهد گرفت.

## پیشینه

در میان محققان و متخصصان تربیت‌بدنی (PE)، مارگارت وایتهد<sup>۱</sup>، متخصصی است که موضوع سواد جسمانی را در برنامه کار خود قرار داد. بیش از یک دهه، وی پیوسته در جست‌وجوی مفهوم عینی این واژه بود، مفهومی که هم به لحاظ فلسفی و تئوری درست باشد و هم به لحاظ اجرایی ممکن و قابل اجرا. در ابتدا، او سواد جسمانی را این‌گونه تعریف کرد: «پیکره زنده و بعد تنایشی<sup>۲</sup> (یا تجلی جسمانی) حیات انسانی». مفهوم سواد جسمانی به شرح تجاربی می‌پردازد که هدف آن‌ها افزایش و بهبود جنبه‌های حرکتی عملکرد فیزیکی (جسمانی) یا مؤلفه‌های حرکتی است که نیاز به توجه دارند و امکان رسیدن به اهداف ویژه را میسر می‌سازند. این مفهوم با رویکردی مثبت نسبت به فضای فعالیت‌های انسانی حفظ و توسعه تمامی شایستگی‌های تنایشی<sup>۳</sup> را پررنگ‌تر می‌سازد.

توانایی فردی برای رشد یک ظرفیت، خود را در عملکرد واقعی فرد نشان می‌دهد و هدفمندی جسمانی (بدنی) بخشی از آن چیزی است که این مفهوم را در بر دارد. بنابراین، نکته محوری آن، رابطه نزدیک بین ادراک و حرکت در ارتباط با هدفمند بودن جسمانی است. در سال ۲۰۱۰، وی مفهوم سواد جسمانی را این‌گونه تصحیح کرد: «انگیزه، اعتماد،

غایت آزمون  
حرکتی در  
زمینه سواد  
جسمانی این  
است که چگونه  
یک فرد قادر به  
برقراری ارتباط  
و به‌کارگیری  
مهارت‌های  
خود در شرایط  
حرکتی واقعی  
است

از مقالات دیگر که شرح و بسط بیشتری داده شده‌اند به چشم می‌خورد و دلیل آن نیز، نبود یک فلسفه مشترک است. تربیت‌بدنی فاقد یک رویکرد آموزشی یکپارچه و مشترک است. نویسندگان این گروه از مقالات به‌دنبال تشریح و تقویت چگونگی امکان کمک کردن سواد جسمانی به رشد انسانی هستند. مقالات بسیاری به دیدگاه پدیدارشناسی پتانسیل و توانمندی انسان و نظریه مرلو پونتی<sup>۵</sup> به‌عنوان یک چارچوب علمی اشاره داشته‌اند. دیگران نیز، با شرح کارآمدی سواد جسمانی به شفاف‌سازی این مفهوم پرداخته‌اند. برای مثال، روثرت و جفریز<sup>۶</sup> این اصطلاح را به‌همراه زیربنای فلسفی‌اش در ارتباط با آنچه ما انجام می‌دهیم و سازگاری و هماهنگی این مفهوم با دیگر سوادها تشریح کرده‌اند. کرولت و ماندیگو<sup>۷</sup> با اثبات اینکه چگونه سواد جسمانی بخشی از مکالمات حوزه تربیت‌بدنی است، با این نتیجه موافقت کردند. سواد جسمانی یک اصل و یک ساختار است که برداشت و فهم ما را از تجربه یادگیری در طیف وسیعی از فعالیت‌های یادگیری و تمامیت فردی سازمان‌دهی می‌کند. این تجارب یادگیری چیزی فراتر از مهارت‌های پایه در انجام حرکات و نیز، دانش در خصوص چگونگی انجام آن‌ها (دانش رویه‌ای) است. این مفهوم شامل دانش اظهاری<sup>۸</sup> است و این امکان را به کودک می‌دهد تا در مکان و زمان، ماهرانه فعالیت و حرکت کند، اشیا را دست‌کاری کند و از حرکات پایه به‌عنوان سنگ بنای حرکات پیچیده‌تر مثل بالاس، چرخ‌سواری و غیره بهره‌گیرند. نهایت تست حرکتی در زمینه سواد جسمانی این است که چگونه یک فرد قادر به برقراری ارتباط و به‌کارگیری مهارت‌های خود در شرایط حرکتی واقعی است. همچنین، ضرورت کنار گذاشتن روش‌های سنتی و قدیمی در حمایت از آموزش سواد جسمانی به کودکان را می‌توان در این موضوع یافت.

البته روش‌هایی پیشنهاد شده است که نه تنها از تغییر محتوای تربیت‌بدنی، بلکه از توجه به بدن انسان و موجودیت آن در جهان بازساخت اجتماعی از نظر جنسیتی و ایده‌های نژادی حمایت می‌کنند. یک برنامه آموزشی جدید باید در برگیرنده رشد فرایندهای یادگیری فردمحور باشد که از طریق درگیر کردن دانش‌آموز در جست‌وجوی محتوا، قرار دادن بدن در فعالیت‌های تربیت‌بدنی و حل کردن مشکلات حرکتی از طریق تعامل با محیط صورت می‌گیرد. در این میان، آلموند<sup>۹</sup> و ایتهد و مورگان به‌دنبال چنین روش جدیدی هستند که خلاق و قابل انتقال و کاربردی باشد. این روش سواد جسمانی را به عرصه عمل، فعالیت و تعهد می‌کشاند. انگیزه

به‌عنوان بخش اصلی سنگ‌بنای سواد جسمانی مورد تأکید قرار گرفته، به‌شرط اینکه اعتبار آموزشی تربیت‌بدنی واقعاً فراتر از مدرسه باشد. در یک سواد جسمانی که محیط در مرکزیت قرار گرفته است، از متخصصان انتظار می‌رود ظرفیت‌های دانش‌آموز از جمله مسئولیت‌پذیری، استقلال، قدرت و عاملیت را ارتقا بخشند که این، خود، به یک رفتار خودتنظیم‌کنندگی (خودسامان‌بخشی) خواهد انجامید که می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای حرکتی فرد باشد. به‌علاوه، این در راستای آن چیزی است که مورگان و دیگران پس از تجاربشان در زمینه بررسی‌های مداخله‌های به نام TARGET مورد تأکید قرار داده‌اند و معتقدند وقتی که انگیزه در معرض خطر قرار می‌گیرد، دیگر ویژگی‌های مثبت مورد نیاز برای انجام موفقیت‌آمیز فعالیت‌های جسمانی از قبیل اعتمادبه‌نفس، خودباوری و احترام به نفس (عزت‌نفس) نیز در معرض خطر قرار می‌گیرند؛ در نتیجه در چنین شرایطی باسواد بودن از منظر جسمانی امکان‌پذیر نخواهد بود. از این جهت، سواد جسمانی یک مفهوم و نظریه است که می‌تواند موجب درک جدیدی از چگونگی تأثیرگذاری فرایندهای انگیزشی و جنبه‌های اجتماعی و محیطی بر حس شایستگی در تربیت‌بدنی باشد. بسیاری از مقالات از کنار گذاشتن دیدگاه ضعیف و محدود فرهنگ تحرک و فعالیت جسمانی که ریشه در روش‌های محدود و ارتباط تنگاتنگ با آموزش ورزش‌های سنتی دارد، استقبال می‌کنند. تامپست و دیگران<sup>۱۰</sup>، این‌گونه نقد می‌کنند که پیشینه سواد جسمانی موفق نشده است رابطه بین مهارت‌های ورزشی پایه و همه اجزای چارچوب سواد جسمانی را تشخیص دهد. به‌عنوان یک مفهوم انحصاری و دارای همپوشانی، سواد جسمانی عبارت است از: «تمرکز بر رشد مهارت‌های جداگانه و مجرد». اما از یک نگاه وسیع‌تر سواد جسمانی مهارت را با جنبه‌های انسانی و محیطی خاص دیگر ادغام می‌کند. به همین منظور مقاله نیوتون و باست<sup>۱۱</sup> نشان می‌دهد که چگونه در برنامه تربیت‌بدنی دوره کارشناسی دانشگاه بدفورشر<sup>۱۲</sup>، سواد جسمانی در سطحی وسیع فراتر از یک الگوی مهارت مجرد<sup>۱۳</sup> در دوره تربیت‌معلم تربیت‌بدنی در نظر گرفته شده است. بنابر گزارش‌های رسیده، این رویکرد، یک ایدئولوژی منطقی برای برنامه‌های اصلی و گسترده تربیت‌بدنی، فراتر از مهارت جسمانی ایجاد کرده است. کار نیوتون و باست می‌تواند ما را به چالش بکشاند تا در مورد استدلال یا فرضیاتمان در خصوص برنامه‌ریزی برنامه تربیت‌بدنی تجدیدنظر کنیم.

**یک برنامه آموزشی جدید باید در برگیرنده رشد فرایندهای یادگیری فردمحور باشد که از طریق درگیر کردن دانش‌آموز در جست‌وجوی محتوا، قرار دادن بدن در فعالیت‌های تربیت‌بدنی و حل کردن مشکلات حرکتی از طریق تعامل با محیط صورت می‌گیرد**

#### پی‌نوشت‌ها

1. Margaret Whitehead
2. embodied dimension
3. embodied competence
4. Marshden and Weston
5. Merleau Ponty
6. Roetert and Jefferies
7. Corlett and Mandigo
8. declarative knowledge
9. Almond
10. Thompssett et al
11. Newton and Bassett's
12. Bedfordshire
13. single skill paradigm

#### منبع

Lundvall, S. (2015). «Physical literacy in the field of physical education». A challenge and a possibility. Journal of Sport and Health Science 4, 113-118. Available online at [www.sciencedirect.com](http://www.sciencedirect.com)